

پیر بوردیو و میدان دانشگاهی

دانش و دانشگاه

جلد اول

تألیف و ترجمه

ناصر فکوهی



پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

فهرست

۷	دباجه پژوهشکده
۹	پیشگفتار

بخش اول: درس گفتاری درباره دانش و دانشگاه بورديو

۲۰	ساخت‌زدایی؛ هم نظریه، هم روش
۲۴	دکسا در برابر جامعه
۲۷	آنچه در «میدان» می‌گذرد
۳۳	بدیهیت علمی
۳۶	دانش مبارزات در مبارزات دانش
۴۰	نظام تحلیلی
۴۷	شایسته‌سالاری یا باز تولید نابرابری
۴۸	فرایند طبیعی کردن فرهنگ
۵۹	جامعه مدرن و نظام‌هایش
۶۲	میدان و سرمایه در گفتمان دانشگاهی
۶۷	بازتابندگی
۶۹	باز هم ملاحظات در روش
۷۳	نظام‌های علمی و باز تولید قدرت
۸۳	علوم انسانی و علوم طبیعی
۹۰	عینی کردن مشارکت
۹۱	نتیجه‌گیری

بخش دوم: جستارها و گفتگوهايي از و دربارهٔ بورديو

- ۹۷ پرسمان دانش و روشنفکري / ناصر فکوهي
- ۱۲۵ دربارهٔ بنيان‌هاي اندیشهٔ پير بورديو / گفت‌وگو با ناصر فکوهي
- ۱۳۹ آيا جامعه‌شناسي علم است؟ گفت‌وگو با پير توييه / برگردان ناصر فکوهي
- ۱۶۱ سخنراني بورديو در دانشکدهٔ علوم سياسي بورديو / برگردان ناصر فکوهي
- ۱۶۷ دانشگاه‌ها: پادشاهان برهنه، گفت‌وگو پير بورديو با ديديه اريبون / برگردان ناصر فکوهي
- ۱۷۵ همه‌چيز اجتماعي است: گفت‌وگو با پير بورديو / برگردان ناصر فکوهي
- ۱۹۷ جامعه‌شناسي هنري رزمي است / برگردان ناصر فکوهي
- ۲۰۷ به‌سختي مي‌توان سنا بوي فيلم به‌سختي مي‌توان سنا بوي فيلم
- ۲۷۹ نمايه نمايه

پیشگفتار

برای درک رویکرد بوردیویستی به دانش و دانشگاه باید ابتدا آن را در چارچوب پرسمان عمومی غرب در مدیته قدرت و دانش از یک سو، و پرسمان بوردیویستی جامعه‌شناسی از سری دیگر قرار دهیم. آنچه در اینجا «غرب» می‌نامیم، درواقع با حرکت از اندیشه رالیشتاین (۲۰۰۴)، مرکزیتی است در برابر پیرامون: پهنه‌های بیرون‌آمده از انقلاب صنعتی - فناوریانه و انقلاب‌های سیاسی قرون نوزدهم تا بیستم؛ پهنه‌های درآمده از انباشت سرمایه و غارت نظام‌مند جهان در فرایند طولانی پدید آمدن جهان به گونه‌ای که برودل (۱۹۷۹) توصیف می‌کند. در عین حال، همین پهنه است که پیرامون را نیز تعریف می‌کند: بدین ترتیب «غرب و دیگر نقاط جهان»^۱ ظاهر و به اشکال مورد استناد و الگوهای آرمانی تبدیل می‌شوند که نقشه ذهنی کنشگران اجتماعی در سراسر جهان و شاکله دانش و دانشگاه را می‌سازد. در این روابط جدید سیاسی-اجتماعی، کالدهای فردی و گروهی و روابط میان آنها مدرنیته را به مثابه یک ضربه تجربه می‌کنند که از «عصر

طلایی^۱ قرن نوزدهمی تا «عصر اردوگاه‌ها» گسترده است. شاید این پهنه، چه در نقطه آغازین و چه در نقطه پایانی خود در «عقدۀ هولوکاست» قرن بیستمی بیشتر توهم باشد تا واقعیت، اما به هر تقدیر توهمی است که خود را بدل به واقعیت می‌کند. «عصر طلایی» به دنبال بازتولید نمادین-شناختی-زبانی عصر نوزایی (رنسانس) در دین و هنر است؛ پروتستان‌تیسم و هنر مدرن (انسان‌محوری به جای خدامحوری) که هر دو بر پایه بازسازی رت مطلقۀ سلطنتی (اندرسون ۲۰۱۳) به دولت-ملت یا دولت ملی (اندرسون ۲۰۰۶) روی مدل انقلاب فرانسه قرار دارند.

این حرکت اساس خود را بر پایه تغییر مشروعیت از بالا (خداوند) به پایین (مردم) می‌نهد. تغییری پایه‌ای که روزنوالن (۲۰۰۸) بهتر از هر اندیشمندی آن را شرح داده است؛ پرسمان اصلی در اینجا آن است که چگونه می‌توان «مشروعیت» و «قدرت» را با دوگانۀ طبیعت/فرهنگ بر نقشه‌ای «علمی» از جهان مدرن و توزیع قدرت در سطح محلی و در سطح جهانی و در رابطه‌ای میان این‌دو به تعبیر گیرتز (۲۰۰۸) انطباق داد؟ دوگانۀ ای که پیش‌تر فیلسوفانی همچون مارکس (۱۶۵۱) و روسو (۱۷۵۵) مطرح کرده بودند و سپس در نزد فیلسوفانی - و نه به دلیل و نیجه بر پایه اخلاق/ قدرت ادامه یافته است.

قرن نوزدهم، اوج رومان‌تیسیم بود که رسالت عمومی آن طبیعی کردن^۲ امری «غیر طبیعی» یعنی «فرهنگ» بود تا «ملت» را بیافریند و بدین ترتیب مشروعیت از بالا را با مفهوم «مرگ خدا» (۱۸۸۲؛ ۱۰۸) به پایین و «زایش سوژه» (۱۹۶۶) منتقل کند. بخش عمده این فرایند با دگرگونی و دستکاری موضع انسان نسبت به «دانش» و «دانشگاه» انجام گرفت که در تاریخ غرب

به شکل تبدیل امر الهی مسیحی به امر سکولار علمی دیده می‌شود و بهترین نشانگان بروز آن را نیز می‌توان از قرن هجدهم در «دایره‌المعارف» روسو، دالامبر و دیدرو دید؛ پروژه‌ای عظیم که ضد الگویی علمی را به‌مثابه حاصل کار انسان در برابر «کتاب مقدس» عرضه می‌کرد.

ام‌مشکل آن بود که بزرگ‌ترین ابداع قرن نوزدهم، ملی‌گرایی، با میهن‌پرستی کشته در جنگ جهانی اول و دوم به ثبت رسید؛ و این تنها مقدمه‌ای برای نبرد عمیق و جبران‌ناپذیر و پرهزینه‌تر دیگر، هولوکاست، بود. و سرانجام قرن بیست و یکم باز هم خونین‌تر با نابودی بخش بزرگی از خاورمیانه روبرو شد. واقعیت در آن است که ساختارهای این ایدئولوژی، از ابتدا بر خشونت و حادثه‌های وحشتناک، و البته خشونتی پایدار و رفته‌رفته به تعبیر بورژوازی «دست‌کم در بخش عمده خود» استوار است و تا امروز نیز چنین است. این در حالی است که شکست سایر اشکال آرمان‌شهری در شکل دادن به تمرکز دولتی مثل کمونیسم روسی، چینی، کوبایی، آسیایی، غربی و ... هر یک به گونه‌ای از خشونت دوام‌نیافتنی انجامیده‌اند که قرن بیستم را بدل به قرنی جهنمی از استیلای ایدئولوژی‌ها و شکست‌های پی‌درپی با برجای گذاشتن قربانیان بی‌شمار کرده است (هابزبام ۱۹۹۴).

نظام اجتماعی در این نظریه‌ها عمدتاً چرخه‌ای از دو پرسش، قدرت و دانش و نیز نهادهای آنها یعنی دولت و دانشگاه است. در این حالت، به هر دو این حوزه‌ها، نه به‌مثابه حوزه‌ها و نهادهایی که ذاتاً معنا و کارکرد دارند، بلکه به‌مثابه محصولات و نتایج اجتماعی شدن/کردن و تبدیل امر اجتماعی به کنش اجتماعی توجه شده است. در این میان، پرسش اساسی بورژوازی آن است که چگونه امر اجتماعی به‌مثابه تنها امر واقعاً موجود در هستی انسانی خود را در همهٔ ارکان این هستی درونی کرده و بدل به

عادت‌واره‌ها، میدان‌ها، سرمایه‌ها و نمادهای گوناگون شده و بدین ترتیب بازتولید جامعه را ممکن کرده است؟

در این کتاب تلاش ما آن است که در جهت این پرسش بوردیویی پیش برویم، البته تا زمانی که بتوانیم به صورت گسترده‌تر صرفاً بر موضع و نقطه نظرات بوردیو بر دانش و دانشگاه در کتابی دیگر متمرکز شویم یا تا زمانی که کتاب اساسی بوردیو، *انسان دانشگاهی* (۱۹۸۴) به فارسی برگردانده شود و بتوانیم درآمدی عمومی بر اندیشه بوردیویی عمده‌تاً در این زمینه عرضه کنیم. از این رو این کتاب را باید گردآوری برخی از متون دانست که نگارنده در سال‌های اخیر ترجمه یا خود تألیف کرده است. از این روست که آن را «درآمدی بر اندیشه بوردیویی» نامیده‌ایم. در تألیف و ترجمه این کتاب از همکاری بسیاری از دوستان و شاگردان خود به ویژه سرکار خانم دکتر شایسته مدنی و دکتر جبار رحمانی و دانشیاران و همکاران پژوهشگر و مطالعات فرهنگی و اجتماعی برخوردار بوده‌ام که باید از آنها تشکر کنم. و البته مسئولیت هرگونه کاستی و مشکل را خود بر عهده دارم.